

بررسی نقش عناصر بیان نمایشی در تئاتر کودک و نوجوان با رویکرد نمایش درمانی*

دکتر سید حبیب اله لژی**، شیمامنفردی^۱

^۱ استادیار دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

^۲ کارشناس ارشد ادبیات نمایشی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۳/۸، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۸/۹)

چکیده:

این مقاله به بررسی نقش عناصر بیان نمایشی در تئاتر کودک و نوجوان، با رویکرد تئاتر درمانی پرداخته است. در ابتدا تعریفی از هنر تئاتر ارائه می‌دهد و بعد از آن به تشریح عناصر بیان نمایشی می‌پردازد. سپس با توجه به اینکه تئاتر کودک و نوجوان به دلیل نوع مخاطب خاص آن از جهات بسیاری می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، به ویژگی‌های این گروه سنی اشاره می‌کند. بر این اساس مفاهیم، روش‌ها و ساختار تئاتر کودک و نوجوان را ذکر می‌نماید و سپس به بررسی تئاتر درمانی به عنوان گونه‌ای خلاق از هنر درمانی می‌پردازد و عناصر بیان نمایشی ویژه تئاتر کودک و نوجوان در تئاتر درمانی را تحلیل می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که در تئاتر درمانی برای کودک و نوجوان، عناصر بیان نمایشی، نقش مؤثری را ایفا می‌کنند. اصلی‌ترین سوال مقاله، بررسی تأثیر عناصر در تئاتر کودک و نوجوان است که براساس آن فرضیه موثر بودن عناصر نمایشی بر این نوع تئاتر با رویکرد درمانی شکل گرفته و نتیجه‌گیری شده که در تئاتر درمانی با کودک و نوجوان، عناصر نمایشی نقش مؤثری را ایفا می‌کند و استفاده از این روش برای درمان این نوع مخاطب خاص، مناسب تشخیص داده شد.

واژه‌های کلیدی:

تئاتر درمانی، تئاتر کودک و نوجوان، عناصر بیان نمایشی، کودک و نوجوان.

* این مقاله مستخرج از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته ادبیات نمایشی از دانشگاه تربیت مدرس، تحت عنوان: "بررسی نقش عناصر بیان نمایشی در تئاتر کودک و نوجوان با رویکرد نمایش درمانی" می‌باشد که توسط نگارنده دوم به انجام رسیده است.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۰۹۱۳۳۲۳۴۱۲، نمابر: ۰۸۰۰۸۰۹۰-۰۲۱، E-mail: Lazgee-h@modares.ac.ir

مقدمه

برآید، بلکه باعث ایجاد یادگیری‌های مطلوب تر و پایدارتر در آنها گردد. یکی از نکات، به کارگیری روشی است که با تکرار و تمرین همراه باشد. در این رابطه یکی از روش‌هایی که می‌تواند مؤثر باشد، بکارگیری راهبردهای نمایشی است.

لازم به یادآوری است که به رغم استفاده مداوم از تئاتر درمانی در کشورهای دیگر، بررسی و پژوهش‌چندانی در ایران در این زمینه صورت نگرفته است و مقاله‌ی حاضر در این زمینه از کارهای آغازین به شمار می‌رود. بنابراین استفاده از نمایش در درمان و بالا بردن سطح توانایی‌ها و قابلیت‌های کودکان و نوجوانان به صورت مداوم می‌تواند روشی جهت بهینه‌ساختن رفتار کودکان باشد.

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی اثربخشی عناصر بیان نمایشی در نمایش درمانی با کودکان و نوجوانان می‌باشد. با توجه به این که پژوهش‌های انجام گرفته در ایران تاکنون به این زمینه خاص نپرداخته‌اند، پژوهشگر درصدد است که بداند آیا عناصر نمایشی در فرآیند کاربرد نمایش با رویکرد درمانی برای کودکان و نوجوانان تأثیر مثبت دارد؟ این پژوهش از طریق پرداخت یافته‌های توصیفی، تحلیلی و تاریخی شکل گرفته است. برای یافتن پاسخ سؤال در روند تحقیق ابتدا حوزه‌ی مفاهیم اولیه‌ی عنوان آن مطرح گردید تا ضرورت این بررسی در روند کار خود را پررنگ‌تر نمایان سازد.

در میان پژوهش‌ها در خصوص شناخت روش‌های مناسب با فعالیت‌های کودکان و نوجوانان با مشکلات احساسی و رفتاری خاص، کاربرد روش‌های نمایشی به عنوان یک ضرورت اصلاح رفتار در مراکز توان‌بخشی، مدارس استثنایی، پرورشگاه‌ها، کانون‌های کودکان و نوجوانان بزهکار، توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. این شیوه گاهی فردی و گاهی جمعی با توجه به موقعیت کودکان و نوجوانان انجام می‌گیرد. آنها با ایفای نقش در شکلی آزاد و یا نیمه هدایت شده مسائل خود را برون فکنی می‌کنند و بخشی از شرح حال خود را مرور می‌نمایند. بدین وسیله هم تخلیه عاطفی می‌شوند و هم اینکه مهارت‌هایشان را گسترش داده تا شناخت عمیق‌تری از آنها کسب کنند.

نیک می‌دانیم که اکثر کودکان با مشکلات رفتاری دارای اختلالات و ناسازگاری‌هایی هستند که به نوعی در عملکرد آنها تأثیر مخربی گذاشته و باعث ایجاد رفتارهای نادرستی در آنها گردیده است. اختلالات گفتاری، رفتاری مثل پرخاشگری و گوشه‌گیری، ضعف در برقراری ارتباط با دیگران برخی از مشکلاتی است که این کودکان و نوجوانان با آنها مواجه هستند. با در نظر گرفتن این مشکلات می‌توان دریافت که صرفاً از راه آموزش با کلمات نمی‌توان نتایج رضایت‌بخشی گرفت. بنابراین باید روشی را به کار برد که نه تنها در جهت رفع عملکردهای نادرست در این گروه سنی

نمایش چیست؟

در تئاترهای امروز اشکال متنوع آن به صور گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرد و امروز نقش و سهم بزرگی در اجرای نمایش‌ها به عهده دارد» (خلج، ۱۳۸۲، ۱۱). تئاتر ترکیبی از دیگر هنرهاست که کلی منسجم را به وجود می‌آورد و آنگونه که گفته شد، یکی از اجزاء مکمل تئاتر، مخاطب است. گویی در تئاتر، کلام آخر را مخاطب بیان می‌کند. که با حضور مخاطب تکمیل می‌شود و با مخاطب دوباره خلق می‌شود.

عناصر بیان نمایشی

نمایشنامه:

نمایشنامه یا متن، یکی از پایه‌های سه‌گانه ادبیات است که بالغ بر دوهزار و پانصد سال قدمت تاریخی دارد. نمایشنامه‌ساختمانی است که باید از اول تا آخر روی پای خود بایستد. خصوصیتش اینست

نمایش هنری است ترکیبی شامل انواع هنرها از جمله نقاشی، موسیقی، معماری، شعر و ادبیات که در حقیقت بر سه رکن عمده استوار است. این سه رکن عبارتند از: بازیگر، صحنه و تماشاگر. این سه پیوسته و گاه به تنهایی در طی قرون و ادوار نسبت به هم در تغییر و تحول بوده‌اند. در طی سالیان متمادی عوامل و ارکان دیگری نیز به آنها افزوده شده که عبارتند از: نویسنده و نمایشنامه‌کارگردان، بازیگر، طراح صحنه، لباس، نور، گریم، جلوه‌های صوتی، وسایل صحنه و تماشاگر.

در کتاب **تئاتر و نشانه‌ها** آمده است:

«هنرنمایش هنری است مرکب. یعنی تشکیل شده از چندین هنر که شامل ادبیات (به صورت متن نمایشی)، هنر نقاشی شامل تزئینات صحنه و دکور، هنر موسیقی شامل ریتم و موزیک‌های به کار گرفته شده، معماری که در مواردی شامل استفاده از دکورهای پررجم در صحنه و نیز استفاده از تأسیسات و وسایل مکانیکی که

تأثیر منفی و سوء در اجرای کلی نمایش داشته باشد. «جلوه‌های صوتی عمومی، ابتدا باید به ساخت فضای کلی صحنه‌ها بپردازد و سپس محدود شود و به طور دقیق عمل کند. صداها باید بسیار تدریجی محو شوند در غیر آن صورت، تماشاگر تصور خواهد کرد که باران قطع شده یا آب دریا خشک شده است. صداها گاه به گاه باز می‌گردند و تکرار می‌شوند» (سلف، ۱۳۷۴، ۴۶).

تماشاگر:

از آنجا که تماشاگر، تنها بخش تمرین‌ناپذیر تئاتر است، واکنش‌هایش نیز چندان قابل پیش‌بینی نیست. اگر برخوردی انتقادی داشته یا در زمان اجرای نمایش از خود بی‌قراری نشان دهد، نمی‌شود به او خرده گرفت زیرا مقصر «نمایش» است. علاوه بر اجرایی بد، عدم هماهنگی میان سلیقه تماشاگر و نمایش نیز می‌تواند موجب نارضایتی تماشاگر شود. در زمان اجرای نمایش باید مناسب‌ترین وضعیت را برای تماشاگر فراهم ساخت. «این یک واقعیت است که تئاتر بدون وجود تماشاگر نمی‌تواند چندان معتبر قلمداد شود» (سلف، ۱۳۸۲، ۱۱۰). به‌رحال باید توجه داشت که پس از تمام تلاش‌ها، تمرین‌ها و هماهنگی‌های عناصر مختلف نمایشی با یکدیگر، این تماشاگر است که در مقابل اثر نهایی به اجرا درآمده به قضاوت می‌نشیند.

کودک و نوجوان کیست؟

در نظریه‌های سنتی اصولاً کودکی، به عنوان یک مرحله در حال گذار به سوی بزرگسالی قلمداد می‌شود و کودکی حلقه اتصال بین سالی است که وظیفه انتقال فرهنگ و میراث مادی و غیرمادی خانواده‌ها و نهادهای اجتماعی را برعهده دارد. در جوامع دوران میانی تا اواسط قرن بیستم هیچ‌گاه کودکی به مفهوم نوین مورد توجه نبوده است. اما اکنون نیز هر بخشی از جامعه، بنابر شاخص‌های خود، دیدگاه و تعبیری خاص از کودکی و کودک دارد. سیاستمداران، اقتصاددانان و دیگر طبقات اجتماعی، هر یک به نوعی سعی در تعریف کودک و کودکی داشته‌اند.

بر اساس تعهدی که دولت به کنوانسیون‌های بین‌المللی داده است، کودک شامل کلیه افراد تابعه‌ای است که در فاصله سنی بین صفر تا هجده سالگی قرار دارند. برای شناخت کودکان و نوجوانان باید، خصوصیات رشد جسمی و روانی، احتیاجات و علاقمندی‌های اصلی، توانمندی‌های خواندن و تسلط بر زبان و تجربیات آنان را شناخت. آنها دارای الگوی رشد یکسانی هستند. بنابراین مشترکات رشدی زیادی می‌توان در آنها یافت. البته باید این نکته را نیز به یاد داشت که آنچه روانشناسان کودک تاکنون درباره کودکان و نوجوانان دریافته‌اند، ویژگی‌های کلی آنان است و نه فرد آنها.

بنابراین برای شناخت این گروه سنی بهترین راه آشنایی با ویژگی‌های جسمی و رشدی آنان است تا بدین وسیله با آگاهی نسبت به آنچه پیش روی است به این دریافت رسید که او کیست و چگونه می‌اندیشد. تا شاید با دانستن کلیاتی از این خصوصیات، آنچه نیازشان است برایشان مهیا شود؛ نه آنچه مادر تصورمان بهترین است. در کتاب ادبیات کودکان دوران رشد کودکان و نوجوانان به پنج

که چیزی جز رمان با موعظه یا درس یا خطابه یا چکامه باشد. زیرا در این صورت دیگر نمایشنامه نیست بلکه درس و خطابه و موعظه و غیره است و با آنها مشتبه خواهد شد. در حقیقت نمایشنامه عیناً چیزی است که سایر چیزهای غیرنمایشی نیستند. با این‌همه اگر تماشاگران بگویند که از فلان نمایشنامه درسی آموخته‌اند، این بی‌اهمیت‌ترین چیزی است که در آن دیده‌اند و در نمایشنامه چه می‌توان دید که مهم‌تر از آموختن درس باشد؟ جواب ساده است: همان وقایع و اموری که رخ می‌دهند، بهم می‌پیوندند و از هم می‌گسلند و می‌گذرند.

کارگردان:

تا قرن‌های متمادی کسی که می‌نوشت خودش بازی می‌کرد و به همراه تنی چند اثر نمایشی را آماده به صحنه رفتن می‌نمود. نویسنده در عین حال بازیگر و کارگردان اثر بود. اما از قرن نوزدهم تحولاتی چشمگیر در همه زمینه‌های مختلف علوم و فنون دیگر رخ نمود. از جمله حضور شخصی به نام کارگردان در عرصه تئاتر مشخص شد. در واقع کارگردان با توجه به متن نمایشی مورد نظر سبک و فرم نمایشی خود را برای اجرا مشخص نموده و سپس با نظارت دقیق بر کار تک‌تک عوامل و ایراد توضیحات لازم فنی و عملی به هدایت بازیگران و دیگر دست‌اندرکاران اجرا می‌پردازد، و در واقع ستون محوری و پایه‌ای یک اثر اجرایی حول چگونگی عملکرد و تسلط کارگردان بر متن و اثر می‌چرخد.

بازیگر:

پیتر بروک می‌گوید: «درست است که برای فیلم‌سازی به دوربین و فیلم و ظهور نیاز داریم ولی برای تئاتر فقط به یک چیز نیاز است: انسان» (بروک، ۱۳۸۳، ۱۱). و به گفته استلا آدلر استاد بازیگری: «این گزافه نخواهد بود که بازیگر به عنوان تعبیرکننده نمایشنامه مهم‌ترین عنصر تئاتر است. تمامی وجود بازیگر، فکر او، روان او، روح او و آن جوهر تعیین‌کننده‌ای که نامش استعداد است بایستی وقف حرفه‌اش شود» (خلج، ۱۳۸۲، ۱۹).

گرم:

چهره پرداز در پشت پرده تئاتر با ابزار و آلات مختلف در نهایت دقت چهره بازیگران را مطابق با چهره شخصیت‌های نمایش با توجه به سن و سال آنها آرایش می‌کند. بازیگر با اتکا بر بدن و مخصوصاً چهره خود نقش خویشتن را به تماشاگر عرضه می‌دارد. «زمانی که از گرم در صحنه خوب استفاده شود، بازیگر نقش خود را به تماشاگران بهتر منعکس می‌سازد و بدون این مهارت دیگر جنبه‌های تمرینی او به سختی لطمه خواهد خورد» (خلج، ۱۳۸۲، ۲۵-۲۶).

جلوه‌های صوتی:

جلوه‌های صوتی در تئاتر کاربردهای متفاوتی دارد و نقشی اساسی در فضا سازی و واقعی‌تر جلوه دادن فضای نمایش ایفا می‌کند و اگر این صداها غیرطبیعی و غیرواقعی جلوه کند، می‌تواند

گروه مختلف تقسیم شده است:

- دوران پیش از دبستان و کودستان (۳-۶ سالگی)
- سه کلاس اول ابتدایی (۶-۹ سالگی)
- نیمه دوم دبستان (۹-۱۱ سالگی)
- دوره راهنمایی (۱۲-۱۵ سالگی)
- دبیرستان (۱۶-۱۸ سالگی) (شعاری نژاد، ۱۳۴۹، ۴۷-۲۹).

تقسیم بندی‌ها و ویژگی‌های هر گروه سنی از نظر روانشناسان و محققین، متفاوت است. به طوری که در بعضی تقسیم بندی‌ها یک یا

دو سال اختلاف وجود دارد. این نکته نشان می‌دهد که نمی‌توان مرز مشخصی بین گروه‌های سنی ایجاد کرد و این مرزبندی را به آثار هنری و نمایشی‌های مختص آنان تعمیم داد. به طوری که گاه مشاهده می‌شود، برخی از آثار گروه‌های سنی مختلف و حتی بزرگسالان که از ویژگی‌های کودکان و نوجوانان برخوردار است، مورد توجه گروه‌های دیگر قرار می‌گیرد. بنابراین رشد فکری و خصوصیات رشد فردی نیز، می‌تواند عامل تعیین کننده مهمی باشد.

جدول ۱- ویژگی‌های گروه‌های سنی.

گروه‌های سنی	ویژگی‌های بدنی	اجتماعی	هیجانی - عاطفی	شناختی
گروه اول	- بسیار فعال - توانایی کنترل بدن - دشواری تمرکز - چشم روی اشیا کوچک	- کاملاً انعطاف پذیر - گروه‌های بازی کوچک - لذت از بازی - دراماتیک - آگاهی از نقش‌های جنسی - سرچشمه گرفتن - طرح‌های کودکانه از تجارب شخصی یا از تلویزیون	- ابراز آزادانه و بازاحساسات و عواطف - حسادت - طغیان خشم فراوان	- مهارت تقریبی از لحاظ گویایی و زبان
گروه دوم	- هنوز فعال - دشواری در تمرکز - روی حرف چایی ریز - رشد و نمو - استخوانی هنوز کامل نیست	- بازی‌های متشکل و سازمان یافته	- حساس به احساسات دیگران	- علاقه مند به یادگیری - حرف زدن
گروه سوم	- نزدیک شدن به دوران بلوغ - کنجگاو درباره جنس و امور جنسی	- گروه همسالان، منبع مهم معیارهای رفتار و شناخت موقعیت و پیشرفت - رشد و تکامل استدلال‌های اجتماعی	- وجود تعارض میان مقررات گروه کودکان و مقررات بزرگسالان - حداکثر بی‌نظمی‌های رفتاری در دبستان	
گروه چهارم	- رشد و نمو ناگهانی در اکثر دختران - هماهنگی حرکتهای ریز	- گروه همسالان، منبع کلی مقررات - توجه درباره چگونگی تفکر دیگران نسبت به خود	- بحران هویت	- دوران انتقال بین تفکر عملیاتی واقعی و تفکر صوری - دوره انتقال میان اخلاقیات فشاری و همکاری - تفکر سیاسی، بیشتر انتزاعی، آزاد و با بصیرت
گروه پنجم	- اضطراب و آشفتگی درباره روابط جنسی - احتمال اختلال‌ها و انحراف‌های جنسی	- احتمال تأثیر والدین در نقشه‌ها و طرح‌های بلندمدت نوجوانان	- اختلال‌های هیجانی و عاطفی - درباره دوستی‌هاشان - افسردگی	- تفکر صوری

تئاتر کودک و نوجوان

تئاتر کودک و نوجوان به نمایشی گفته می‌شود که مضامین و معیارهای خاص کودکان را دارا باشد و با توجه به روحیات و ذهنیات گسترده و خلاق کودکان طراحی و اجرا شود. امروزه بزرگان و متخصصان تعلیم و تربیت همواره از نمایش به عنوان قوی‌ترین قالب هنری در جهت پرورش کودکان و نوجوانان یاد می‌کنند. آشناترین وسیله هنری با روان و روحیه کودک و نوجوان همانا نمایش است؛ چرا که بچه‌ها از کودکی با بازی زندگی می‌کنند و بزرگ می‌شوند.

تئاتر کودک و نوجوان از قدمت بسیار زیادی برخوردار نیست. در اواخر قرن هجدهم پدید آمده است و تا قرن بیستم از اصول و قواعد خاصی برخوردار نبوده است. نخستین بار در عصر الیزابت در قرن شانزدهم میلادی در انگلستان مطرح می‌شود. اما چندان رشد نمی‌یابد. تا آنکه در قرن ۱۹ میلادی بزرگسالان به اجرای نمایش کودکان علاقمند می‌شوند و نخستین متونی را که مورد استفاده قرار می‌دهند، افسانه‌هاست (Coleman, 1988, 14). تئاتر کودکان و نوجوانان کم‌کم مسیر خود را می‌یابد و رشد می‌کند و با وجود گسترش رسانه‌ها و تفریحات گوناگون و جذابیت‌های دیگری که برای این گروه سنی ایجاد می‌شود، باز هم تئاتر جایگاه خود را حفظ می‌کند.

ویژگی‌های تئاتر کودکان:

تئاتر کودک و نوجوان نیز همانند تئاتر بزرگترها از عناصر اولیه مشترکی برخوردار است. مثل گفت و گو، شخصیت، طرح و... مبنای اصول کلی تئاتر بزرگسال در تئاتر کودک نیز رعایت می‌شود، اما ممکن است تأکید آن بر یکی از عناصر تئاتر بیش از دیگر عناصر باشد. اما تئاتر نوجوانان دارای چه ویژگی‌هایی است؟ تئاتر نوجوانان به طور اعم و ادبیات نمایش آنان بطور خاص، حدفاصل ادبیات و تئاتر کودک و بزرگسال قرار دارد. نوجوانان از دنیای کودکان فاصله گرفته‌اند ولی هنوز وارد دنیای بزرگسالان نشده‌اند. برزخی که نوجوانان در آن گرفتارند، دشواری تئاتر ویژه آنان را دو چندان می‌کند.

در کتاب **معصومیت و تجربه** ویژگی‌های نوجوانی را این گونه مطرح می‌کند: «مشخصه عمده مرحله نوجوانی - در جنبه شناختی - رشد تفکر انتزاعی است. توانمندی در همین تفکر انتزاعی نیز هست که به نوجوان امکان می‌دهد از تفکر کاملاً عینی وارده، جهان را و جامعه را به گونه‌ای دیگر تصور کند. اصول عام و جهان‌شمول و فارغ از زمان و مکان را درک نماید و به منتقد مدام نسل پیش - که خود زاده و پرورده آن است - و وضعیت موجود بدل شود» (خسرونژاد، ۱۳۸۲، ۱۷).

اما می‌توان ویژگی‌های تئاتر کودک را به اختصار این گونه برشمرد:

۱- ایجاد شادی، نشاط و لذت

۲- ایجاد هیجان و حس ماجراجویی

۳- سادگی (عدم پیچیدگی) در طرح و داستان

در کتاب **نمایش خلاق** در ذکر ویژگی‌های تئاتر کودک آمده است: «این تئاتر از نظر موضوع صادقانه است.

- هم به مطالب مربوط به زندگی کودکان که مواد سازنده‌ی آن هستند و هم به تماشاگران احترام می‌گذارد.

- این تئاتر باید تلاش کند تا بچه‌ها را هم از نظر اندیشه و هم از جهت احساس برانگیزد.

- تئاتر کودکان باید سریع و از نظر تصویر برانگیزاننده باشد» (آقا عباسی، ۱۳۸۵، ۲۳۱).

انواع تئاتر کودکان و نوجوانان:

تئاتر کودکان و نوجوانان به سه روش انجام می‌شود: برای کودکان و نوجوانان، با کودکان، با کودکان برای کودکان. تئاتر برای کودکان و نوجوانان که شامل نمایش‌هایی است با بازیگران یا عروسک گردانان بزرگ سال حرفه‌ای یا آماتور و برای کودکان در سالن‌های نمایش، مهدکودک‌ها یا مدارس اجرا می‌شود، بهترین نوع اجراهای تئاتر برای کودکان است. در این نوع تئاتر با مشارکت کودکان، انتقال پیام مورد نظر در روند داستانی نمایش، موفقیت آمیزتر خواهد بود. امروزه در اکثر تئاترهای حرفه‌ای سعی می‌شود کودکان از نظر فکری و فیزیکی در نمایش دخیل باشند و حتی در برخی موارد جهت داستان نمایش را تغییر می‌دهند و انتهای نمایش را عوض می‌کنند.

تئاتر درمانی

یک روش درمانی گروهی که در آن اشکال نمایشی و اصطلاحات تئاتری مورد استفاده قرار می‌گیرد. فرآیندهای بنیادین در تئاتر درمانی، نه فرآیند اصلی را شامل می‌شود: فرافکنی نمایشی، اجرای تئاتر درمانی، همدلی و فاصله‌گذاری از طریق نمایش درمانی، شخصیت بخشی و جعل هویت، تماشاگر و تماشاگر تعاملی، جسمیت بخشیدن: نمایشی کردن جسم، بازی، ارتباط بین زندگی و نمایش، دگرگونی. فرآیندهای فوق هر یک نیروی بالقوه درمانی نمایش را نشان می‌دهند.

فرافکنی نمایشی

ویل شایر در کتاب نقش‌گذاری و هویت، ارتباط بین صحنه و تماشاگر را به شکلی تعریف می‌کند که شیوه‌های استفاده شده در تئاتر درمانی، صورت ملموس تری به خود می‌گیرند. به اعتقاد شایر یکی از جذابیت‌ها و ضرورت‌های همیشگی تئاتر این است که ما خودمان را به شکل اغراق شده می‌بینیم. او می‌گوید این شیوه باید به شکلی بنیادین دیده و فهمیده شود، زیرا انسان وقتی خود را می‌بیند که درست در لحظه دیدن، در او تغییر ایجاد شود.

- می‌توان ایده‌ها، فرآیندها و سازگاری‌های مثبت رفتاری را در بازی نمایش مطرح نمود، زیرا منجر به واکنش‌های مناسب نسبت به فشارهای زندگی و بهبود موقعیت اجتماعی می‌شود.
- هنرهای نمایشی بخصوص بازیگری می‌تواند بر نحوه ارتباطات انسانها و قبول مسئولیتهای سازنده اجتماعی در آینده اثر گذارد و باعث ایجاد همفکری و مهارت (بر اثر تمرین نقش‌های سازنده) گردد.
- ویژگی دیگر آن یادگیری است. یک ضرب‌المثل چینی می‌گوید: ممکن است ببینیم و فراموش کنیم، ممکن است بشنویم و بخاطر نیاوریم ولی اگر عمل کنیم مطمئناً یاد می‌گیریم.
جمله آخر نشان دهنده اهمیت یادگیری است و می‌فهماند که یادگیری فقط در اثر انجام دادن دیدن و مشاهده و تجربه نمودن بدست می‌آید.

- یکی دیگر از نتایج بازی‌های نمایشی کسب ارزش اجتماعی است. کودک در ماه‌های اول تولد به شخصیت خود پی می‌برد و این شناخت را در خلال حرکات وی می‌توان دید. تربیت و آموزش صحیح در میزان این شناسایی مؤثر واقع می‌شود. یکی از بهترین وسایل که می‌تواند آموزش و تربیت را ایجاد کند بازی نمایشی است. کودک در حین بازی به کشف محیط می‌پردازد و از طریق بازی‌های نمایشی نخستین گام‌ها را برای اجتماعی شدن بر می‌دارد. او در بازی، همکاری و تعاون با گروه را می‌آموزد و یاد می‌گیرد که چگونه بر دیگران اثر گذارده و از آنها اثر پذیرد.
- بازی‌های نمایشی کودک را از افسردگی و خمودی می‌رهاند، سبب فعال شدن و شرکت در گروه‌های اجتماعی می‌شود.

همچنین فرآیند یادگیری و برقراری ارتباط متقابل عاطفی به وی یاد می‌دهد که برای پذیرش و موفقیت در گروه باید چه توانایی‌هایی را بکار گیرد و چگونه می‌تواند از نگرش، رغبت‌ها و مهارت‌های دیگران برای رفع حوائج افراد بهره‌گیرد. طبق نظر لویت و جنینگ^۲ (۱۹۹۵) ایفای نقش روشی است در یادگیری که حقایق و مفروضات موجود درباره رفتارهای انسانی را ظاهر می‌کند، حقایق و مواردی که نمی‌توان آنها را به آسانی از سایر منابع بدست آورد.
ضمناً ایفای نقش موجب می‌شود که فرد از احساسات و هیجانات دیگران نیز آگاه شود و کلیاتی از آنها نیز درک کند. در تئاتر درمانی کودک می‌تواند حدود ابراز عواطفی مانند محبت و کینه را درک کند. به همین جهت مورنو پیشنهاد می‌کند که تئاتر درمانی باید از کودکی آغاز شود. از نظر تجربی حداقل سن را باید ۱۰ سالگی قرار دهیم.

عناصر بیان نمایشی در تئاتر درمانی با کودک و نوجوان

تئاتر درمانی شامل مجموعه‌ای از زمینه‌ها از جمله: تشخیص موضوع، تفکر درباره موضوع، طرح نمایشنامه، تحقق نمایشنامه، تفکر درباره نمایشنامه و بازخورد است. نمایش در آن بخشی که برای بچه‌ها تهیه می‌شود، ره آوردهای جالبی داشته است و در ارتباط تنگاتنگ با رشد عواطف و تفکرات کودکان، فرصت‌های مناسب بیشتری را در زمینه بیان آنها برای کودکان فراهم می‌آورد.

فراکنی در تئاتر درمانی، چه از نظر محتوا و چه از نظر اهداف، با تئاتر تفاوت دارد. توجه به این نکته ضرورت دارد که ما در شخصیت و با شخصیت می‌مانیم و در عین حال به عنوان یک تماشاگر، فاصله را حفظ می‌کنیم. این فرآیند در تئاتر و در جلسه تئاتر درمانی به یکسان مصداق دارد. تماشاگران تئاتر، درگیر دشواری‌ها و موقعیت‌های عاطفی شخصیت‌ها می‌شوند. در تئاتر درمانی هم به شکل مشابهی، افراد می‌توانند نقش یا شخصیتی تخیلی را انتخاب کنند، با اشیای کوچک به بازی بپردازند، صحنه را خلق و افسانه‌ها و اسطوره‌ها را اجرا کنند. به این ترتیب، آن‌ها هویت متفاوتی پیدا و جنبه‌هایی از خود را وارد موضوع نمایشی می‌کنند. فروید، فرآیندهایی چون فراکنی و هویت یابی را فرآیندهای دفاعی اولیه می‌داند. در تئاتر درمانی، روشی اهمیت دارد که از طریق آن فراکنی نمایشی به شکلی صورت بگیرد که رابطه‌ای حیاتی بین وضعیت‌های عاطفی و درونی و شکل‌های بیرونی آن‌ها، ایجاد شود.

نقش هنر در فراکنی عواطف کودکان

التون^۱ در تعریف عبارت «مشکلات احساسی و رفتاری» می‌گوید که کودکان تا چه حد عملکردی مطمئن دارند و اینکه این رفتار به صورت یک مشکل قلمداد می‌گردد. ولی مشخص می‌نماید چرا آنان بدین طریق رفتار می‌کنند به عنوان مثال ممکن است ما بدانیم که یک کودک از مدرسه رفتن بیزار است و یا گوشه‌گیر است و قادر به تمرکز فکری نیست. در نتیجه بدون آنکه بتوانیم به علت و دلیل رفتارهای او پی ببریم، او را به عنوان یک فرد مهاجم و پرخاشجو شناسایی می‌کنیم.

گرامشا^۲ معتقد است با کشف علت از طریق نفوذ به عمق و ریشه مشکل رفتاری و با انتخاب روش صحیح درمان می‌توان انتظار تغییر واقعی و متعالی را داشت. او معتقد است هر رفتاری دلیل خاص خود را دارد، اگر رفتار فردی کودک یا نوجوان در حیطه فهم ما ننگد، ممکن است پنداریم که او شخصی دیوانه یا ناهنجار است و همین امر می‌تواند فرد را به سوی فعالیت‌های تبهکارانه سوق دهد. در نتیجه جامعه بر او انگ «فاسد» می‌زند. البته باید به این نکته توجه کرد همه نوجوانانی که دچار مشکلات احساسی و رفتاری هستند، به سوی فعالیت‌های تبهکارانه گرایش نمی‌یابند، گرچه تمایل گرایش به این فعالیت‌ها در اکثر آنها وجود دارد و این نکته مهمی است که نباید فراموش شود.

ویژگی‌های تئاتر کودک و نوجوان با رویکرد درمانی

تئاتر کودکان و نوجوانان با رویکرد درمانی ویژگی‌هایی دارد که عبارتند از:
- تأثیر عمیق در نگرش‌ها، بازخوردها و اندیشه‌های ژرف انسان و تحول و دگرگونی آنها، که با بازیگری هنرمندان در نقش‌های مختلف صورت می‌پذیرد.

می‌گیرد و از آن برای دستیابی به نتایج درمانی استفاده می‌کند. نقش عناصر بیان نمایشی در تئاتر کودک و نوجوان، مانند نقش این عناصر در تئاتر بزرگسال است. حضور یا پررنگ بودن بعضی عوامل، در تئاتر کودک و نوجوان به دلیل خاص و حساس بودن ویژگی‌های این گروه سنی امری منطقی است. در ادامه با مقایسه میان نقش عناصر بیان نمایشی در تئاتر بزرگسال و تئاتر کودک و نوجوان به اهمیت یا کم‌اهمیت بودن این عناصر در بررسی رویکرد موردنظر ما، یعنی رویکرد درمانی می‌پردازیم:

در تئاتر درمانی کودکان، اهداف زیر را در نظر می‌گیرند: کنترل عاطفی و جسمی، اعتماد به نفس، توانایی مشاهده، تحمل و ملاحظه دیگران را کردن.

کودک می‌تواند از طریق نمایش، توانایی‌های خود را کشف کند و آنها را بهبود بخشد. کودکان از طریق نمایش دنیا را بهتر می‌شناسند و با آن ارتباط سالم تری برقرار می‌کنند و همدلی، بصیرت و مهارت‌های درون فردی آنها رشد می‌کند. تئاتر درمانی، فراقکتی یک آسیب عاطفی یا مسأله‌ای درونی را به یک اجرای نمایشی ترغیب می‌کند. تئاتر درمانی جنبه‌های خلاقانه و روزمره فراقکتی را در نظر

جدول ۲- عناصر بیان نمایشی در تئاتر، تئاتر کودک و نوجوان، تئاتر درمانی با کودک و نوجوان.

عناصر بیان نمایشی	در تئاتر	در تئاتر کودک و نوجوان	در تئاتر درمانی با کودک و نوجوان
نمایشنامه	اغازگر و سلسله جنیان هنر نمایشی نقشه گنج	موضوع تنگنای خاص به دنیا به دلیل نداشتن تجربیات تلخ بزرگسالی زبان: انتخاب واژگان اثر به تناسب سن مخاطب تفاوت‌های واژگانی در حد ساختار جمله زمان نمایش و آتونها کوتاه‌تر	بناها سازی یا کار بر روی متنی که تداعی معانی بیشتری را ممکن می‌سازد با توجه به ویژگی‌های هر گروه سنی شامل: عبارات کلیدی، جزئیاتی درباره نقش‌ها، رفتارهای مشخص مربوط به نقش‌ها، تعریف مختصری از شرایط یا صحنه‌های اصلی و محل یا محل‌های اجرای نمایش
کارگردان	پل بین متن و صحنه ارزیابی بافتاب اندیشه‌های نویسنده پر صحنه دیداری کردن نمایش	بکارگیری فنون کارگردانی در این سن	تنظیم موضوع و فرایند تئاتر درمانی و انتخاب زبان نمایشی مناسب با آن
بازیگر	عنصر ارتباطی بین صحنه و مخاطب	ریتم تند در حرکت، تحرک و حرکات متنوع در بازیگری کودکان	تصویرسازی شخصیت تا حدی از طریق بیان بدنی رویکرد اول: بهبود تیروهای بالقوه بدنی افراد تحت درمان رویکرد دوم: هدف اصلی خود را تمرکز بر نیروهای بالقوه درمانی در طول نمایش با هویت‌های بدنی متفاوتی. رویکرد سوم: کشف نیروها و اثرات فردی، اجتماعی بر بدن
طراحی صحنه	دیداری کردن وقایع متن انتقال اندیشه‌های نویسنده و کارگردان به تماشاگر	روانشناسی رنگ رنگ قهوه‌ای و خاکستری چاشمین سیاه خطوط منحنی در دکور	آفرینش ابزارهای نمایشی فراقکتانه
لباس	لباس متناسب با شخصیت ونقش بازیگر	رنگهای شاد	"
نور	کمک به تماشاگر برای خوب دیدن بازیگر توجه به بخش ویژه ای	چندان نقش مهمی ندارد	"
گوریم	زیباشناسی برجسته سازی چهره و چشم‌ها زیر نور صحنه و دیگرگون ساختن چهره اشخاص یا توجه به نقش و شخصیت بازی آنها روی صحنه	انتقال مفاهیم رنگهای شاد	تأثیر بر بر ماهیت موضوعی که فراقکتی می‌شود

	هارمونی که از طریق اجرای نت‌های یک آواز یا یک ملودی متناسب با صدای طبیعی هر شی (مانند صدای حیوانات، صدای قطار و...) با استفاده از امکانات صوتی و بیانی خود	فضا سازی و واقعی‌تر جلوه دادن فضای نمایش ایجاد شرایط محیطی ایجاد شرایط جوی ایجاد زمان بیان رویدادهای بیرون صحنه	موسیقی
فرافکنی را از راه دور حامی، مخاطب، راجعاً، همراه و یا اور افراد در اجرای نمایش	توجه داشتن نسبت به کودکان	تنها بخش تمرین ناپذیر تئاتر	تماشاگر

نتیجه

اطلاع از چند و چون استفاده از عناصر نمایشی، روش‌ها و الگوهای تئاتر کودک و نوجوان و تئاتر درمانی با آنها، می‌توان اثر نمایشی مطلوب و مناسب این گروه سنی را ارائه کرد.

تئاتر درمانی جنبه‌های خلاقانه را در نظر می‌گیرد و از آن برای دستیابی به نتایج درمانی استفاده می‌کند. در این پژوهش، فرآیند فرافکنی نمایشی در تئاتر درمانی با کودکان و نوجوانان بیشتر مطرح بوده است و بررسی عناصر نمایشی نیز با این دیدگاه بررسی شده اند. یعنی در حقیقت تئاتر درمانی، فرافکنی یک آسیب عاطفی یا مسأله‌ای درونی را در کودک و نوجوان به یک اجرای نمایشی ترغیب می‌کند.

آنچه تاکنون گفته و تحلیل شد به خوبی این نکته را نشان می‌دهد که برای شناخت تئاتر کودک و نوجوان و بکارگیری هر چه بهتر آن در حوزه تئاتر درمانی، ابتدا باید به عناصر بیان نمایشی که در واقع جوهره اصلی تئاتر کودک و نوجوان است، توجه ویژه شود. هر قدر عناصر بیان نمایشی بهتر به کار گرفته شود، تأثیر آن بر روی کودکان و نوجوانان بیشتر خواهد شد. اما در این میان باید به قابلیت‌های خاص بعضی از عناصر در فرآیند تئاتر درمانی نیز توجه کرد. با وجود اینکه هر یک از عناصر نمایشی، مانند متن، بازیگری، موسیقی، طراحی صحنه، تماشاگر و کارگردان در جهت ارتقای کیفی اثر نمایشی مؤثرند، اما کاربرد ویژه آنها علاوه بر این باعث تأثیر قابل توجهی در کاربرد درمانی تئاتر برای کودک و نوجوان دارد. با

پی‌نوشت‌ها:

- 1 Stella Adler.
- 2 Elton.
- 3 Grimshaw.
- 4 Levit & Jnening.

فهرست منابع:

- آقا عباسی، یدالله (۱۳۸۵)، نمایش خلاق قصه‌گویی و تئاترهای کودکان و نوجوانان، ج اول، قطره، تهران.
 بروک، پیتر (۱۳۸۳)، رازی در میان نیست، چاپ اول، هرمس، تهران.
 خسرو نژاد، مرتضی (۱۳۸۲)، درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک، چاپ اول، نشر مرکز، تهران.
 خلیج، منصور (۱۳۸۱)، نمایشنامه نویسان ایران از آخوندزاده تا بیضایی، اختران، تهران.
 خلیج، منصور (۱۳۸۲)، تئاتر و نشانه‌ها، سوره مهر، تهران.
 سلف، دیوید (۱۳۷۴)، نمایش و فنون نمایشی، ترجمه شیرین بزرگمهر، چاپ اول، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
 شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۴۵)، اصول ادبیات کودک، سروش، تهران.
 فتحی، طاهر (۱۳۸۰)، پسیکودرام: پیشگیری و درمان بیماری‌های روانی - اجتماعی در صحنه نمایش، سپند هنر، تهران.

- Coleman, A., s.jennings (ed.) (1998), *theatre for young audiences*, martins press.
 Jennings, S. (Ed.) (1995), *Dramathrapy with children and adolescents*, Routledge, New York.
 Jennings, S., Cattanach, A, Mitchell, S. et al. (1994), *The handbook for dramathrapy*, London, Routledge.